

بیانات معظم له در دیدار مسؤولان، کارگزاران نظام و مدعوین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی - 24 مرداد/ 1374

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این عید سعید و ولادت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام را به همه‌ی مسلمین عالم، به ملت بزرگ ایران، به شما میهمانان عزیز و حضار گرامی این مجلس، به مسؤولان و دست‌اندرکاران کشور، بالخصوص به ایثارگران و خانواده‌هایشان تبریک عرض می‌کنم. یکی از صدقات جاریه‌ی انقلاب که به برکت ذهن بیدار امام راحل رضوان الله تعالی علیه تحقق پیدا کرد، این بود که ایام ولادت نبی اکرم علیه و علی آله الصلوة و السلام، به عنوان ایام وحدت معرفی شد. از این جهت این مسأله جالب است که وحدت اسلامی یک آرزوست. بعضی واقعاً این آرزو را دارند، بعضی هم یک حرفی می‌زنند؛ لقلقه‌ی لسانی است. به هر صورت این آرزو، یک راه عملی لازم دارد.

هیچ آرزویی بدون مجاهدت و تلاش تحقق پیدا نمی‌کند و وقتی که ما به راههای عملی برای این مقصود و این آرزو فکر می‌کنیم، یکی از بهترینها و بزرگترینها، همین شخصیت عظیم الشان عالم خلقت، یعنی وجود مبارک پیامبر گرامی و مرکزیت این بزرگوار برای عواطف و عقاید عامه‌ی مسلمین است. در بین حقایق و معارف اسلامی، چیزی که به این صورت مورد توافق آراء و عقاید و نیز عواطف همه‌ی مسلمین باشد، شاید نداشته باشیم یا خیلی نادر باشد؛ چون عواطف هم نقش زیادی دارد. به غیر از بعضی اقلیتها و جمعیتهای جدا شده از عامه‌ی مسلمین که به عواطف چندان اهمیت نمی‌دهند و کاری به محبت، توجه و توسل ندارند، عامه‌ی مسلمین، با عواطف نسبت به نبی اکرم علیه و علی آله الصلوة و السلام سروکار دارند. بنابراین، وجود این بزرگوار می‌تواند محوری برای وحدت باشد. من می‌خواهم امروز با حضور مسؤولان عالی رتبه‌ی کشور و برجستگان دنیای اسلام از کشورهای مختلف، همین نکته را مورد توجه ویژه‌ای قرار دهم.

برادران عزیز؛ خواهان عزیز و گرامی! امروز مسأله‌ی وحدت برای مسلمین یک نیاز قطعی است. امروز دشمن اسلام و مسلمین، دو خصوصیت دارد که در طول تاریخ این دو خصوصیت را نداشته است. یکی این که به شدت به مال، به سیاست، به تبلیغات، به انواع و اقسام ابزارهای اثر گذاری و نفوذ و ضربه زدن، مجهز است. دشمن اسلام کیست؟ جبهه‌ی استکبار، از صهیونیسم تا آمریکا، تا کمپانیهای نفتی، تا قلم به مزدان و روشنفکرانی که برای آنها کار می‌کنند، در سرتاسر جهان مجهزند. هیچ وقت جبهه‌ی مقابل اسلام، این قدر به همه‌ی ابزارها مجهز نبوده است. خصوصیت دیگر این است که همین جبهه‌ی مجهز، امروز نسبت به خطری که اسلام برای آن دارد و بیداری اسلامی برای آن به وجود می‌آورد، به شدت حساس است و این حساسیت، ناشی از این است که می‌بیند اسلام می‌تواند از مرز یک توصیه‌ی اخلاقی فراتر برود و در موضع فکری که نظامی را به وجود می‌آورد، ظاهر شود. دشمنان اسلام دیدند که اسلام توانست یک انقلاب به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست یک نظام مستقر و پایدار به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست یک ملت را به خود آگاهی برساند، آنها را از حالت هزیمت روحی، به استقرار و اتکاء به نفس و اعتزاز به خود و دین خود تبدیل کند و برساند؛ دیدند که اسلام می‌تواند یک ملت را آن قدر مقتدر و قوی کند که همه‌ی آن ابزارهایی که گفتیم، در مورد این ملت بی‌اثر و کند شود.

تقریباً هفده سال بعد از پیروزی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تنها ابرقدرت مدعی ابرقدرتی در دنیا، در مصاف سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی وادار به عقب نشینی شد. این مسأله‌ای است که امروز آن را مشاهده می‌کند. این مسأله از چشم تحلیلگران استکبار جهانی پوشیده نیست. اقتدار اسلام خودش را نشان می‌دهد. دیدند در دنیای اسلام، هر گروهی که به دنبال اصلاح محیط، جامعه و کشور خود است، به اسلام متمسک می‌شود. قبل از پیروزی اسلام در ایران، در کشورهای مختلف، گروههایی که می‌خواستند اصلاح طلبی را شعار خود بکنند، به مارکسیسم یا به ناسیونالیسمهای تند متمسک می‌شدند؛ ولی امروز در کشورهای اسلامی که نگاه کنید، روشنفکران، جوانان،

روحانیون، دانشگاهیان و گروه‌های مختلف مردم، اگر داعیه‌ی اصلاح داشته باشند، متمسک به اسلام می‌شوند. این توانایی و ظرفیت بالای اسلام است. اینها را دشمن می‌بیند؛ لذا حساس شده است. دنیای اسلام، در مقابل دشمن اسلام و مسلمین، با این دو خصوصیت قرار دارد: مجهز بودن بیش از همیشه و حساسیت نسبت به اسلام بیش از همیشه. این دشمن چه کار خواهد کرد؟ بهترین وسیله‌ای که این دشمن دارد، این است که بین مسلمین، اختلاف ایجاد کند؛ بخصوص بین آن بخشهایی که می‌توانند به دیگر مسلمین، الهامبخش باشند فاصله بیندازد. شما ببینید امروز در کشورهای مختلف اسلامی، چقدر پول از دلارهای نفتی و غیر آن خرج می‌شود، برای این که کتاب بنویسند و عقاید عجیب و غریب را به شیعه نسبت دهند. من یک وقت بخش معظمی از این کتابها را جمع کردم، دیدم خیلی کتاب نوشته می‌شود. زیرکترین عناصر تبلیغاتی، در تهیه و تنظیم این کتابها، برای ایجاد اختلاف، تلاش می‌کنند؛ برای این که آن بخش از جامعه‌ی اسلامی را که پرچم اسلام بلند کرده است و قله و اوج آن هم ایران اسلامی است و نیز بقیه‌ی جاهایی که به مدد اسلام توانستند به جنگ حوادث زندگی بروند و با قدرتها پنجه بیندازند از بقیه‌ی دنیای اسلام جدا کنند. امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابل وجود دارد، جمع کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی معادن خداداد زیرزمینی در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لاقط علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد! دشمن کاری می‌کند که در دنیای اسلام، همه‌ی این منابع انسانی و مالی، در مقابل هم قرار گیرد، رژیم عراق را تحریک کردند؛ هشت سال یک جنگ خانمان برانداز در این منطقه به وجود آوردند، بعد هم کمکش کردند که اگر بتواند این نهال نورسته را به کلی از بیخ و بن برکند، که البته نتوانستند.

«ضرب الله مثلاً کلمة طیبة کشجرة طیبة، اصلها ثابت»، این خصوصیت کلمه‌ی اسلامی است، قابل ریشه کن کردن نیست: «و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها. (56)»

امروز هم از لحاظ سیاسی، حداکثر تلاش را می‌کنند؛ لذا استنتاج من، فهم و برداشت من و توصیه‌ی من به عنوان یک خدمتگزار؛ به عنوان آدمی که توطئه‌ی دشمن را می‌بیند و حس می‌کند، به برادران مسلمان این است که امروز اتحاد بین مسلمین، برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است. شوخی و شعار نیست؛ جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند. البته وحدت امر پیچیده‌ای است؛ ایجاد اتحاد یک کار پیچیده است. اتحاد بین ملت‌های اسلامی، با اختلاف مذاهب می‌سازد، با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد، با اختلاف فقه‌ها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی، این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، همسو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملتها، سرمایه‌های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند. یکی از عواملی که می‌تواند در این زمینه مرکز باشد، عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. مسلمین و روشنفکران اسلامی باید بر روی شخصیت و تعالیم این بزرگوار و محبت به این بزرگوار، با دید همه گیر نسبت به اسلام سرمایه گذاری کنند. از جمله عواملی که می‌تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه‌ی مسلمین می‌توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل بیت پیغمبر است. اهل بیت پیغمبر را همه‌ی مسلمین قبول دارند. البته شیعه اعتقاد به امامت آنان دارد؛ غیر شیعه، آنان را به معنای امامت در اصطلاح شیعی، امام نمی‌داند، لکن از بزرگان اسلام که می‌داند، خانواده‌ی پیغمبر که می‌داند، مطلع از معارف و احکام اسلامی که می‌داند. مسلمین باید در عمل به کلمات ائمه علیهم السلام و اهل بیت پیغمبر، اتفاق کلمه کنند. این یکی از وسایل وحدت است. البته این، یک کار فنی است؛ کار آسانی نیست و مقدماتی دارد. کسانی که اهل فتنه، اهل حدیثند، اهل علوم وابسته‌ی به حدیثند، می‌دانند که مقدمات این کار چیست. باید معیارهای درک حدیث، تلقی و تحمل حدیث و معیارهای صحت و اعتبار حدیث، مورد توافق قرار گیرد. باید بر روی رجال حدیث توافق شود. در گذشته، عمدتاً دستگاه خلافت بنی عباس و مقداری هم بنی امیه، طوری ترتیب دادند که معارف اهل بیت را از ذهنیت دنیای اسلام بیرون کنند؛ لذا روایات آنان کم نقل شده است. محدث، حدیث را نقل می‌کند و برای او فرقی ندارد که حدیث را از

حسن بصری، از قتاده و از دیگران نقل می‌کند. چرا از جعفر بن محمد علیه الصلوة والسلام نقل نکنند؟! دستگاه خلافت امثال هارون، مأمون، معتصم، متوکل و امثال اینهاست که مانع می‌شدند، راهها را می‌بستند، بعضی هم رجال حدیث را متهم می‌کردند؛ لذا یکی از کارهایی که باید بشود، تلقی مشترک در این زمینه‌های مقدمات حدیث است. علما در این زمینه وظیفه دارند؛ متفکرین اسلامی در این زمینه وظیفه دارند.

چقدر جای دریغ و افسوس است که ذهن متفکر اسلامی که برای عزت مسلمین و برافراشتن پرچم اسلام باید قلم بزند و تلاش کند، به دنبال مسائل اختلافی، ایجاد اختلاف، ایجاد دعوا و خلأ بین مسلمین برود، قلم بزند و کار کند؛ یکی را متهم و یکی را از دین خارج نماید! علما در این زمینه، برای انجام وحدت و فراهم کردن مقدمات وحدت وظیفه‌ی بزرگی دارند؛ نه فقط علمای یک طرف، بلکه علمای هر دو طرف.

برادران و خواهران! گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف هم در بین شیعه، هم در بین سنی از آدمهایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می‌کند. در جامعه‌ی شیعه حرکتی انجام می‌گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه‌ی سنی انجام می‌گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می‌کند؟! امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر این که کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله‌ی واحد، کعبه‌ی واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه‌ی اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسأله‌ی اتحاد بین مسلمین یک امر جدی است. با این مسأله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود. جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار، از روز اول در این زمینه قدم برداشته است. امام بزرگوار ما رضوان الله علیه، پیشوای این راه بود و بزرگان، مسؤولان، گویندگان، نویسندگان، دستگاههای مختلف و متفکرین دنیای اسلام هم تلاشهای زیادی کردند. نگذارید این تلاشها ضایع شود.

امیدواریم خداوند متعال کمک کند، گامها را محکم گرداند، دلها را در این راه هدایت نماید، دستهای وحدت را گرماگرم در یکدیگر گره بزند و دلها را ان شاء الله، هر چه بیشتر به هم نزدیک فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(56) ابراهیم: 25 - 24